

آغاز شعر فارسی

سلمان منعم سلمان
دانشگاه بغداد
دانشکده زبان
رشتهء زبان فارسی

پیشگفتار

شعر نظم و بیت و سخن موزون و مقفا اگر چه بعض قافیه را شرط شعر نمی دانند. در عرف علمای عرب سخن که وزن و قافیه داشته باشد. و قول موزون مقفا که دال باشد بر معنایی. شعر صنعتی است که قادر شوند ب دان بر ایقاع تخیلاتی که مبادی انفعالات نفسانی گردد پس مبادی آن تخیلات باشد. نزد علمای عرب کلامی را شعر گویند که گوینده آن بیش از ادای سخن قصد کرده باشد که کلام خویش را موزون و مقفی ادا کند و بدون اراده سخن او موزن و مقفی ادا شود او را شاعر نتوان گفت.

چنانکه در کلام مجید ایاتی نازل شده که مطابقت بابحور واوزان عروض دارد مانند: لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون مانند الذي انقض ظهرك و رفعنا لك ذكرك^(۱) ازین روست که در باره پیامبر آمده:؛ و ما علمناه الشعر و ما ینبفی له ان هو الا ذکر و قران مبین^(۲).

شعر در اصلاح منطق قیاس است مرکب از مقدماتی که روان آدمی را از ان مقدمات بسط و یاقبضی حاصل شود و قیاس را قیاس شعری نامند، چون گویند :-

حنظل زهری هوع است نفس را انقباض حاصل شود و عرض از قیاس شعری ترغیب نفس باشد و از این روست که گفته اند: هو قیاس من المخیلات تسمى القضايا الشعرية.

فصل یکم آغاز شعر فارسی

کتابهای (تذکره) یعنی کتابهای طبقات شعرای فارس به مختصری در باره شعر فارسی، آغاز میشود. مسئله شعر فارسی یا مسئله آغاز زبان فارسی در تماس هستند، چه وقت و کجا پیدا شده است؟ و آیا بهرام جور که اولین شخص شعر فارس را نظم کرده، به زبان فارسی صحبت میکرد یا بزبان ایرانی مانند زبان پهلوی؟

بهر حال زبان فارسی مانند زبانهای دیگر، نتیجه پیشرفت هائیکه بر زبان اصلی واقع شده، بوجود آمده است، و این پیشرفتها در طول دور انهای قدیم بتدریج صورت گرفته است.

زبان فارسی کنونی، جزئی از آن پیشرفتها که در ایران بعد از اسلام ظاهر شده، و قدیمترین متن این زبان، تألیفات و کتابهای اسلامی است.

اکنون مساله پیدایش شعر فارسی برکنار، و مسئله دیگری مورد بحث و بررسی قرار دهیم و آن اولین شعر فارسی که پیداکردیم چیست؟

استاذ پژ و هشگر دانمارکی (کریستس) در تاریخ طبری و در کتابهای دیگری کلماتی بزبان فارسی منسوب به یزیدبن مفرغ حمیری دیده، و تاریخ آن رجوع به حکم والی خراسان عباد بن زیاد یعنی در اواسط صده اول سال هجری بوده است^(۳).

داستان معروف حاکیست که مردم یزید را می پرسیدند: این چیست؟ و او جواب میدهد:-

آب است و نیبذ است عسارات زبیب است

سمیه روسببذ است یعنی این آب ومی و آب انگور و روی سمیه سفید است

نظر کریستسن ان است که این قدیمترین شعر فارسی پیدا شده. بهر حال پژو هشگران ادبیات فارسی براین بیت اعتماد کردند و باعث شده که

مؤلفین و نویسنده گان بر این منوال بررس و چندی قطعاتی از شعر فارسی قدیم در متون کتابهای کهنه پیدا نمایند .
و این اشعار دارای وزن سبک و اختلاف قافیه و ترکیب ساده گی بر منوال شعر عامی . کتاب (تاریخ سیستان) و مؤلف آن معلوم است ، از قدیمترین آثار شعر صنعتی فارسی .

کتاب (تاریخ سیستان) که مؤلف آن در صده ه هارم هجری میزیسته است نا معلوم ، از قدیمترین آثار شعر صنعتی فارسی بشمار میرود . این کتاب در کتابخانه های اروپائی وجود ندارد بر اینکه خاور شناسان آن کتاب را پیدا نمایند .

مؤلف در باره یعقوب بن الیث امیر سیستان چنین میگوید که شعرا در عصر امیر اشعاری بزبان عربی جهت مدح او نظم مینمودند بر اینکه امیر گفت ((چرا چیزی گویند که من ندانم)) (۴) و از آن روز شعرا به نظم شعر بزبان فارسی شروع کردند . پس از آن مؤلف اشعاری در زبان فارسی در مدح امیر یعقوب بن محمد بن وصیف و شاعر دیگر بنام بسام کرد که به زبان فارسی نظم نمودند .
و حسب اعتقاد مؤلف که این اولین شعر در زبان فارسی بوده است .

این که گفتیم نظر مؤلف کتاب تاریخ سیستان ، ولی این قابل قبول نیست ، چون این اشعار که گفته است دارای وزن طویل بر عکس شعر عامیانه که با وزن سبک روبرو است ، نیز ضبط قافیه با استفاده از لفظ عربی .
ان نوع شعر بنام (شعر صنعتی) در برابر شعر عامیانه بوده ، و این سببی بوده که مؤلف تاریخ سیستان اشعار بالارا (اولین شعر فارسی) یعنی شعر فارسی صنعتی نامیده است . ولی اصحاب تذکره نویس ، شعر صنعتی به عصر طاهریان حکام خراسان قبل از صفاریان ، که تقریبا حکم ایشان بیشتر از نیم قرن یعنی از اوایل صده سوم ادامه داشت ، برمیگردانند .
از شاعران این دوران حنظله باذغیسی (نسبت به باذغیسی یکی از نواحی هرات) و اشعار او عبارات از دو بیت در هر قطعه بوده است . کلام اصحاب

تذکره در بارهء حنظله و همتای او از شعرا قابل شك است . یکی از مهمترین منابع که در بارهء این شاعر نوشته کتاب ٭هار مقاله ابی حسن احمد سمرقندی متخلص به (نظامی عروضی) از نویسنده گان قرن ششم هجری ، و این کتاب از مهمترین منابع تاریخ ادبیات فارسی قبل از فتنه مغول بوده است . مؤلف در بارهء شاعر ، می نویسد که او يك مرد فاضل و عالم و در ضمن سخن بخصوص (احمد بن عبد الهخجستانی) (نسبت به ناحیه ای نزدیک هرات) و حاکم مناطق زیادی از خراسان در عهد صفاریان و قبل از ان يك مرد راهزن بوده است نظامی در بارهء او میگوید :- احمد بن عبدالله پرسیدند ٭طور به این وضعیت رسیدی ؟ جواب داد :- روزی در باذغیسی بوده ام و دیوان حنظله باذغیسی را خواندم ، این دو بیت را جالب نظر شده است :-

مهتری گر بکام شیر دراست شو خطرکن زکام شر بجوی
یابزرگی و عز و نعمت و جاه یا جو مردانت مرک رویاروی (۵)

یعنی اگر ازادی و حیثیت در میان دندان شیر است ، برو وانرا از آن جایی ترس بگیری ، یابه نعمت و جاه برسانید و یامانند دلیران بامرک روبرو هستند . نظامی می گوید :- این دو بیت را احساسات و شعور احمد ، در وقت اوج و عظمت دولت صفاریان ، را بالابرد . احمد ٭ند خری را فروخت و بجای انها يك اسب خرید و در خدمت امیر عمرو بن اللیث صفاری شده است . پس از مدتی احمد از طاعت امیر خارج شده و بدنبال جستجو در بارهء عرش برای وی سعی مینمود و به این امر موفق گردیده و بیشتر زمینهای خراسان زیرکنترل خود شده است . مؤلف میگوید که سبب همهء این رخ دادها دو بیت بالا راجع به حنظله بوده است .

خبر یا قصهء بالا در تاریخ ٭ه معنی دارد ؟ حنظله یکی از قدمای شعرا که شعرش در يك دیوان تدوین شده و خجستانی یکی از خوانندگان ان دیوان و به اشعارش متأثر شده .

تاریخ و فات شاعر سال (۲۲۰ هـ) یعنی در عصر عبد الله بن طاهر بوده است . از شاعران ان دیگریکه اصحاب تذکره انها را ذکر مینمایند ، دو شاعر از عصر صفاری ، فیروز مشرقی و ابو سلیک جرجانی ، نویسنده گان در

بارء فیروز مشرقی که در سال (۲۸۲ هـ) درگذشت ، میگویند که شعر او خالی از اخطا در زبان فارسی بوده است .
اما در بارء شعر این دو شاعر میتوان گفت که شعر فارسی قدیم و دارای هفت وزن مختلف از محور شعر فارسی است .

فصل دوم زبان شعر فارسی

شعر فارسی از آغاز . ظهورش بر حسب شیوهء و سبک شعر عربی در اصول وزن عروض بوده است ، چون شعر فارسی در ایران قبل اسلام شعر ساده قطعه ای مانند شعر زبانهای فرنگی کنونی است . وقد یمترین نمونه این شعر در ایران کتاب (جاثا) منسوب به زردشت که بزبان اوستائی نوشته شده است^(۱) . از زبانهای دیگر موجود بین اوستائی و فارسی ، زبان قدیم فرس و زبان بهلوی .

اما شیوهء وزن در شعر فارسی نه فقط برچگونگی قطعه (مد و قصر) بلکه بر تعداد حروف موجود در مقطع مانند شعر عربی بوده است . اما فرقی میان شعر عربی و فارسی بخصوص اختلافات عروضی ، تعدادی از پژوهشگران عروضی فارسی در بارء آن بحث و بررسی نموده اند .
قد یمترین کتابی که به دست ما رسیده دو کتاب اول (المعجم فی معاییر اشعار العجم) تألیف شمس الدین محمد بن قیس الرازی در اوایل صدء ششم هجری ، و این کتاب فارسی علی الرغم از عنوانش که به عربی نوشته شده است .

متن این کتاب در بارء علم شعر فارسی که در برابر کتاب عربی (المعرب فی معاییر اشعار العرب) تألیف شده است .
در این کتاب ، عروض شعر فارسی و قافیه و ساختن فن بدیع و دستور زبان فارسی و نمونه ای از شعر فارسی قدیم ، مورد بحث و بررسی مؤلف قرار گرفت که در کتابهای دیگر وجود ندارد .

این کتاب برای اولین بار در بیروت سپس در ایران بچاپ رسیده است. کتاب دوم (معیار الاشعار) مؤلف آن فیلسوف اسلامی معروف نصیر الدین الطوسی . این کتاب کوچک شامل بر عروض وقافیه است . خلاصه گفتار عروضیان که هفت اصل عروض فارسی از ده وزن عربی گرفته شده است ، نیز فرس یازده بحر از شانزده بحر عربی گرفتند. اما از ناحیه شکل بحر، نیز فرقی میان دو شعر وجود دارد ، مثلاً فرس بحر رمل نه سبک هشتمی اما عرب بشکل ششمی استفاده مینمایند . معروف است که شعر فارسی بعد از اسلام ، اصول اوزان خود را از شعر عربی گرفت، در صورتیکه عده ای دیگر می بینند که آن نتیجه پیشرفت های داخلی شعر فرس قبل از اسلام بوده است . نتیجه نهائی این موضوع قابل قبول نیست بلکه بعد از انجام بررسیهای لازم درباره شعر فارس و شعر عربی و روابط این دونوع شعر با سایر زبانهای آریایی و سامی . مثال بر آن زبان سغدی ، چون این زبان در وقتی دور نیست پیدا شده و بازبان فارسی تماس و تاثیر بزرگی بیشتر از تاثیر زبان پهلوی داشته است . بهر حال میتوان گفت که شعر فارسی (عروض) را بیشتر از شعر عربی استفاده و شاعر فارسی توانست از ترکیبات موجود در (تفاعیل) استفاده نمایند . و مثال بر آن وزن رباعی معروف که در عهد رودکی ظاهر شده مانند (ترکیب مسط) که در شعر منوچهری از شعرای دوران غزنوی در اوایل سده پنجم بوجود آمده است . ترکیب دیگر فارسی بنام (ترکیب بند) و (ترجیع بند) ، شاعر در اینجا مقطوعاتی از شعر بایک وزن و قافیه مخلف که ظاهر یک قصیده ، مستقل است بهره برداری مینماید . شاعر در آخر هر قطعه یک بیت مستقل که در ترجیع بند تکرار و در ترکیب بند تغییر میشود ، می گذارد. از شروط این ترکیب یگانگی موضوع بطوریکه منظومه بشکل مجموعه مقطوعات مختلف به یک هدف اشاره مینماید.

از ترکیبات دیگر (مثنوی) یعنی باره ای از شعر که شاعر در هر بیت (تصریح یا مصراع) باقافیه مختلف از بیت دیگر بنظر میگیرد ، و ظهور این شکل از فنون يك کام مهمی در تاریخ شعر فارسی بشمار میرود. و بعلت گوناگونی قافیه در شکل مثنوی این منجر به بررسی قصه و موضوعات آموزش از سوی شاعر فارسی گردیده است .

استاذ نیکلسون چنین نظری دارد که بعلت عدم وجود این شکل در شعر عربی قدیم ، منجر به عدم ظهور شعر داستانی در شعر عربی گردید^(۷) ولی میتوان گفت که شعرای نوین عربی تلاشی نمودند برای استفاده از این شکل یا نوع در شعر عربی مانند ابن الهباریه در کتاب (الصادح والباغم) ، ولی مثنوی عربی بریک نوع از بحر بنام (رجز مسدس) تأکید کرد ، در صور تیکه مثنوی فارسی از سپند نوع بحر مختلف استفاده نموده است .

سپند بنظر میرسد که شعر فارسی در دربار شاهان ایرانی پیدا ، و در سایه و پیشرفت و ترقی این مملکت جوانی میزیسته است ، چون پس از گذشتن نیم قرن ظهور شعر فارسی ، شعر باوج خود رسیده است . شاعر ابو جعفر رودکی بخاری متخلص به (پدر شعر فارسی) برجسته ترین شعرای عصر سامانی و این دوران بوده است .


ازین شاعر بزرگ شعر قلیل مانند قصاید و قطعات و ابیات گوناگونی در متون کتابها بخصوص در کتابهای زبان ، بدست مارسیده است . شاعرانی که پس از عصر رودکی میزیسته اند از ذکر این شاعر بزرگ دور نمانده اند و او يك مثال برای شعر و شعرا و (شاعر بی همتا نزد عرب و عجم) شمرده اند .

پس میتوان گفت که تاریخ قصیده در شعر فرسی از رودکی آغاز میشود^(۸) چون نمونه کامل این نوع شعر در شعر وی دیده میشود در صورتیکه این نمونه از شعر در اشعار دیگران قبل از وی وجود ندارد .

شاعرانی که بعد از رودکی آمدند بر نهج وی نظم شعر نمودند. قصیده نزد رودکی مکنون از بیشگفتار و مدح و رثاء و خلاصه شامل برتهنیت و دعا . مقدمهء قصیده مدح شامل بر تشبیب و غزل و ذکر باده که در جشنها سروده میشود .

رودکی يك خواننده مشهور که در شعر وی وزن سبک و سنگین و وزن غریب که در فارسی (بحرنا مطبوع) یعنی بحر الغریب می نامند .
در دوران رودکی مثنوی شایع بوده و او نیز کتاب کليلة و دمنه تألیف نموده
برای اینکه شعر داستانی و حماسه سرائی فارسی منجر به ظهور آن منظومهء
جاویدانه بردست دقیقی و فردوس آنرا خاتمه داده است .

خلاصه

خاتمه آخر هر چپیزی و پایان آن و خاتمهء کار . خاقانی به بسطام رفت و منتظر خاتمهء کار و مال حال بنشست . و کلمه ای که پایان مطلب رامیر ساند و نساخ کتب در آخر آن بکار میبرند . و خاتمهء مادر بارهء آغار شعر در ایران اینست که شعر متعلق به گذشته نیست ، و شاعران همیشه و همواره وجود دار ندوبا شعر انها نحوی از حقیقت متحقق می شود . 

نحوی از حقیقت باشعر آموز تحقق پیدا می کند ؟ صر فنظر از تعداد قلبلی از شاعران غربی که شعر شان تعلقی به آینده یا لاقل به گذشت از ما بعد الطبیعه غربی دارد ، حوالت شعر جدید بطور کلی، همان حوالت ما بعد الطبیعه و تفکر و تمدن غربی ، یعنی نیست انکاری است . این نیست انکاری ، تنها در تمدن یادر ما بعد الطبیعه به تمامیت خود نر سیده، بلکه در همه زمینه ها و در شعر تمامیت یافته است .

فهرست منابع

١. فرهنك فارسى - د. محمد معين .
٢. لغت نامه - على اكبر دهخدا .
٣. امثال وحكم دهخدا - على اكبر دهخدا - ج / ٢ .
٤. محاضرات عن الشعر الفارسى والحضارة الاسلامية في ايران د . علي اكبر فياض - ١٩٥٠ القاهرة .
٥. سبك شناس - ملك الشعراء محمد تقى بهار
٦. تعريف شعر - منو چهر سعادت نوري ١٣٧٥ - تهران
٧. صور خيال در شعر فارسى د. محمد رضا شفيعى كدكنى
٨. قصيده در شعر فارسى - ضياء موحد - نشر دانش - تير ١٣٧٣

هوامش

- ١- سوره الشرح آيهء (٤) .
- ٢- سوره يس آيهء (٦٩) .
- ٣- صور خيال در شعر فارسى - د. محمد رضا كدكنى
- ٤- محاضرات عن الشعر الفارسى و الحضارة الاسلامية في ايران د. علي اكبر فياض
- ٥- ديوان نظامى عروض سمر قندى
- ٦- لغت نامه- علي اكبر دهخدا- مقدمه
- ٧- تعريف شعر - منو چهر سعادت نوري
- ٨- سبك شناس - محمد تقى بهار